

۴ - اسم مصدر به عنوان متمم فاعل (Subject Complement) بعد از فعل ربطی (to be) :

- 62- a) Mina's favorite hobby is writing poems. b) Mina is writing a poem now.
63- a) Her favorite activity is reading story books. b) She is reading story books now.
64- a) What he liked was traveling to other countries. b) He was travelling in Europe.

در مثال های بالا بخش اول (a) اسم مصدر هستند، اما در بخش دوم (b) فعل هستند که بصورت حال استمراری یا گذشته استمراری بکار رفته اند

۵ - اسم مصدر بعد از فعل go برای نشان دادن فعالیت های ورزشی و تفریحی :

- / go shopping / go biking / go fishing / go swimming / go skating / go jogging / go sailing /
/ go running / go hiking / go hunting / go camping / go sightseeing / go surfing /
/ go mountain climbing /
65- My father goes jogging every morning.
66- We went hunting in the forest last week.

۶ - اسم مصدر بعد از NO برای ممنوع بودن کاری یا عملی (بویژه در علائم هشدار دهنده) :

- / No Smoking / No Fishing / No Parking / No Honking / No swimming /
/ No hunting / No Overtaking
- سبقت گرفتن ممنوع

گرامر درس سوم (۳) زبان انگلیسی پایه یازدهم

Conditional Sentence Type (1) : شرطی نوع اول

ساختار جمله ی شرطی نوع اول : If clause type (1)

هر جمله شرطی از دو قسمت تشکیل می شود .

۱- قسمت شرط ، که با IF (اگر) شروع می شود . ۲- جواب و نتیجه ی شرط

- 1- a) If you study hard, you will pass your test.

قسمت شرط جواب شرط

- اگر نتیجه ی شرط در ابتدای جمله بیاید و سپس قسمت شرط ، نیازی به آوردن کلمات « ویرگول » ، « , » نیست .

- b) You will pass your test if you study hard.

شرطی نوع اول : که به آن شرطی واقعی گفته می شود . در شرطی نوع اول احتمال وقوع عمل در زمان حال و آینده وجود دارد.

شرطی نوع اول طبق الگوی زیر :

: ساختار شرطی نوع اول

مصدر بدون will + to , زمان حال ساده If

جواب شرط قسمت شرط

نکته ی ۱ : مخفف will بصورت ('ll) نوشته می شود .

2- If I get a good job, I'll stay here.

نکته ی اضافی ۲ : در شرطی نوع اول، می توان به جای will از have to , must , should , can , may و حتی از might (برای احتمال ضعیف) استفاده کرد.

3- If you are in a hurry, you can take a taxi.

4- If you don't go now, you may miss the train.

5- If it rains, we should stay at home.

6- If you want to succeed, you must study hard.

7- If you want to learn English, you have to practice hard.

8- If she passes all her exams, we are going to buy her a good present.

9*- If you phone me after 12 o'clock, I *might be in bed.

نکته ی اضافی ۳ : در شرطی نوع اول ، در جواب شرط ، برای بیان دستورالعمل، توصیه ، نصیحت و هشدار ، می توان از جمله ی امری نیز استفاده کرد.

10- If you want to help me, call the doctor.

11- Don't forget to lock the door if you go out.

نکته اضافی ۴ : موقع سؤالی کردن جملات شرطی ، جواب و نتیجه شرط به صورت سؤالی در می آید .

12- What will you do if you are cold?

13- Will he pass his test if he doesn't study hard?

نکته اضافی ۵ : برای بیان واقعیت و حقیقت علمی می توان در جواب شرط ، بجای will می توان از زمان حال ساده استفاده کرد که به آن شرطی صفر هم گفته می شود .

14- If you press this key, the game starts. (will start)

15- If I eat bananas, I get red spot on my skin. (will get)

16- If you heat water, it boils. (will boil)

نکته اضافی ۶ (زبان تخصصی) :

در شرطی نوع اول، در قسمت شرط به جای زمان حال ساده ، با توجه به معانی و بافت جملات داده شده ، می توان از زمان حال استمراری ، حال کامل (ماضی قلی) ، حال کامل استمراری ، can ، should ، be going to و حتی (will , would) برای درخواست و تقاضای مودبانه (نیز استفاده کرد.

17- If you are waiting for a while, you will see him.

18- If you have finished your work, we can go to the cinema.

19- If John has been studying, he might pass the test.

20- If I can finish work early, I'll come and help you.

21- a) If I should see him, I'll tell him the good news.

* b) Should I see him, I'll tell him the good news. (inversion) تقریبا نامحتمل

22- If it is going to rain, I had better take an umbrella.

23- If you'll just wait a moment, I'll find someone to help you. (request)

24- I would be grateful if you would let me know your decision as soon as possible.

(polite request)

نکته اضافی ۷ (زبان تخصصی) : بیان شرطی نوع اول با ساختار زیر هم امکان پذیر است.

جمله در زمان آینده + and + جمله امری

25 - a) Do that again and you will be in trouble.

b) If you do that again, you will be in trouble.

26- a) Touch my head and you will see how hot it is.

b) If you touch my head, you will see how hot it is.

نکته اضافی ۸ (زبان تخصصی) : در جملات شرطی ، به غیر از if ، از سایر کلمه های شرط نیز می توان استفاده کرد.

۱- (مگر اینکه = unless) ۲- (ما دامیکه ، به شرطی که = as long as) ۳- (وگرنه = otherwise (or else))

۴- (به شرطی که = providing , provided that) ۵- (به شرطی که = on (the) condition that)

۶- (حتی اگر = even if) ۷- (مبادا ، (در صورتیکه ، برای احتیاط)) in case)

۸- (به فرض اینکه = suppose, supposing (that)) و ۹- (چه می شود اگر ، چه اتفاقی می افتد اگر = what if)

- کلمات شرط شماره های ۸ و ۹ در جملات سوالی استفاده می شود.

27-a) He cannot pass his exam unless he works hard.

b) He cannot pass his exam if he doesn't work hard.

28- a) Unless you hurry, you won't catch the bus.

b) If you don't hurry, you won't catch the bus.

29- We will go out as long as the weather is good.

30- Put on your coat, otherwise you'll get cold.

31- We need to be there by 8 or else we will find it hard to park the car.

32- You can borrow my bike provided/ providing that you bring it back.

33- I will give you the day off on condition that you work on Saturday morning.

34- We will go mountain climbing tomorrow, even if it is raining.

35- * a) I will take my umbrella in case it rains.

(اگر باران بیاید ، چترم را بر می دارم)

* b) I will take my umbrella if it rains.

(چترم را بر می دارم برای احتیاط ، چون ممکن است باران بیاید)

*c) In case of fire, break the glass.

36- Suppose/Supposing that you are wrong, what will you do then?

37- What if we paint it red? How will it look?

Spotlight : تفاوت if و when :

38-* a) I will tell Tom to call you if he comes.

ممکن است تام بیاید / شاید هم نیاد

* b) I will tell Tom to call you when he comes.

تام حتماً خواهد آمد

تفاوت unless با if...not : در جمله سوالی نمی شود به جای if...not از unless استفاده کرد.

39- a) If you don't pass the test, what will you do? (جمله درست)

b) Unless you pass the test, what will you do? (جمله نادرست)

گرامر درس سوم (۳) زبان انگلیسی پایه یازدهم بخش: See Also

صفت مفعولی (past participle) و صفت فاعلی (present participle) :

صفت مفعولی (past participle) (ed دار) :

صفت مفعولی ، يك صفت اثر پذیر است و با افزودن -ed به فعل (یا قسمت سوم فعل) درست می شود. معمولاً احساس يك انسان را ، نسبت به چیزها یا به افراد را نشان می دهد .

1- I am interested in history. 2- Ali was confused because the problem was confusing.

3- We were amused at her story. 4- My sister was frightened of snakes.

نکته : در اکثر موارد، صفت مفعولی برای انسان بکار می رود .

- (در زبان فارسی معمولاً با پسوند های زده / شده معنی می شوند)

نکته اضافی (زبان تخصصی) : در برخی موارد صفت مفعولی می تواند حتی برای غیر انسان (اسامی بی جان) نیز بکار رود که خارج از محدوده ی کتاب درسی و حتی کنکور می باشد

5- Their statements presented a confused picture of the accident.

(confused = not clear or easy to understand)

6- He had an amused smile on his face.

7- She says she has got a broken heart. (قسمت سوم فعل)

8- He was wearing a torn jacket. (قسمت سوم فعل)

صفت فاعلی (present participle) (ing دار) : يك صفت اثر گذار است و با افزودن -ing به فعل درست می

شود. معمولاً برای نشان دادن حس یا حالتی که شخصی یا چیزی در مخاطب ایجاد می کند ، بکار می رود .

9- The film was boring.

10- It was an amusing story.

11- Her job is exciting .

نکته : صفت فاعلی ، معمولاً برای اشاره به اسامی بی جان (غیر انسان) بکار می رود.

- (در زبان فارسی معمولاً با پسوند های آور / انگیز / کننده معنی می شوند)

نکته اضافی : صفت فاعلی برای اشاره به انسان نیز می تواند بکار رود (در اکثر کتاب های درسی ، به آن اشاره نمی شود) .

12- He is one of the most boring people that I have ever met. He never stops talking.

مهم ترین صفات مفعولی و فاعلی در محدوده ی کتاب های درسی و مکثور عبارتند از:

صفت مفعولی	صفت فاعلی
amazed (at/ by) شگفت زده	amazing شگفت آور
amused (at/by) سرگرم (شده)	amusing سرگرم کننده
bored (with /of) کسل / خسته (شده)	boring کسل کننده (خسته کننده)
tired (of) خسته (شده)	tiring خسته کننده
confused (about) گیج (شده)	confusing گیج کننده
depressed (about) افسرده / غمگین	depressing افسرده کننده
excited (about/at/by) هیجان زده	exciting هیجان انگیز (مهیج)
frightened (of) ترسیده / وحشت زده	frightening ترسناک
interested (in) علاقمند	interesting جالب (علاقمند کننده)
shocked (at/by) شوکه (شده)	shocking هولناک (شوک آور)
surprised (at/by) متعجب	surprising تعجب انگیز (تعجب آور)
satisfied (with) راضی / خوشحال	satisfying خشنود کننده / راضی کننده

مصدر = شکل ساده فعل + **to**

موارد کاربرد مصدر با **to** :

۱ - مصدر با **to** به عنوان فاعل (**subject**) در اول جمله (در سبک غیر رسمی / محاوره ای) :

- 1- **To drive carelessly** is dangerous. [= **Driving carelessly** is dangerous.] (More natural)
2- **To learn a language** can be interesting. [= **learning a language** can be interesting.]

۲ - مصدر با **to** به عنوان مفعول (**object**) بعد از فعل های زیر :

1-choose (انتخاب کردن)	2-decide (تصمیم گرفتن)	3-want (خواستن)
4-promise (قول دادن)	5- wait (منتظر ماندن)	6-agree (موافق بودن)
7- learn (یاد گرفتن)	8-attempt (تلاش کردن)	9-*like (دوست داشتن)
10-*forget (فراموش کردن)	11-*remember (به یاد آوردن)	12-*try (تلاش کردن)
		(کتاب دانش آموز)
12 tell (گفتن)	13-ask (خواستن / سوال کردن)	14-*advise (نصیحت کردن)
15-hope (امیدوار بودن)	16-plan (برنامه ریزی کردن)	17-*begin (شروع کردن)
		(کتاب کار)

نکته ۱ : در برخی از افعال ، بلافاصله بعد از آنها فعل دوم به شکل **مصدر با to** می آیند .

- 3-We **decided to change** our plans.
4-She **wanted to buy** an Iranian handicraft.

نکته ۲ : اما يك تعدادی از افعال هم وجود دارد که بعد از آنها ابتدا بعد از آنها **مفعول** و سپس **فعل دوم** به شکل **مصدر با to** می آیند (برخی از فعل ها با هر دو ساختار بکار می روند)

- 5-The teacher **told the children to sit down** quietly.
6-I **want you to find out** what they are planning.

به مثال های زیر، برای هر يك از افعال بالا ، دقت کنید

- 7-I **chose to learn** German rather than French. [*rather than* = به جای]
8- They **chose Donald to be** their leader.
9-Tina has **decided to go** to Rome for her holidays.
10-I **want to study** physics now.
11-I don't **want Linda to hear** about this.
12- He **promised to give back** the book.
13-Are you **waiting to use** the phone?
14- I **waited for Reza to say** something.
15- The teacher **agreed to finish** the class 5 minutes early.
16- I **learned to drive** when I was 18.
17- In this lesson, I **will attempt to explain** infinitives.

- 18- a) He likes to swim. (دوست داشتن در مقطع زمانی خاص)
 * b) I would like to play football.
 * c) He likes swimming. (دوست داشتن دائمی و لذت بردن کلی)
 * d) I don't feel like running today.
- 19- a) Don't forget to wake me up. (زمان آینده)
 *b) He forgot sending the letter. (زمان گذشته)
 او فراموش کرد که نامه را ارسال کند.
- 20- a) Ali remembers to send her the letter. (به یاد آوردن انجام کاری یا عملی در زمان آینده)
 *b) He remembers meeting Mina for the first time. (به یاد آوردن انجام کاری یا عملی در زمان گذشته)
- 21-a) He tried to control his voice. (سعی کردن)
 * b) Why don't you try using a different shampoo? (امتحان کردن)
- 22- The doctor told me to take these pills.
 23- He asked to come with us.
 24 - I asked John to help us.
 25- She advised me to wait until six o'clock.
 * 26- I wouldn't advise taking the car.
 27- She hopes to find a good job soon.
 28- I am planning to have a party.
 29- The baby began to cry.
 30- I began teaching in 1992.

زبان تخصصی :

- 1- *allow (اجازه دادن) 2- *permit (اجازه دادن) 3- force (مجبور بودن) 4- invite (دعوت کردن)
 5- order (دستور دادن) 6- warn (اخطار دادن) 7- encourage (تشویق کردن) 8- wish (آرزو کردن)
 9- seem (به نظر رسیدن) 10- offer (پیشنهاد دادن) 11- prefer (ترجیح دادن)
 (خارج از بخش گرامر کتاب درسی اما مهم)

- 31- His parents won't allow him to stay out late.
 32- Our English teacher didn't permit us to use dictionary in the final exams.
 *33- We do not allow / permit smoking here.
 34- The police forced them to leave the room immediately.
 35- They invited me to have lunch with them.
 36- She had ordered them to sit down silently.
 37- Amin's father warned him to keep away from his friend.
 38- We encouraged Ali to find a better job.
 39- He wished to become a writer.
 40- They seem to know what they are doing.
 41- She has offered to help me.
 42- a) I prefer to go to the movies tonight. (تمایل به انجام کاری در زمان خاص)
 * b) I prefer travelling by train. (ترجیح دادن کلی و دائمی)
 * c) I prefer swimming to skiing. prefer A to B

A

B

نکته: برای منفی کردن مصدر، قبل از مصدر با to، (not) می آوریم.

43- I decided not to go.

44- His parents advised him not to eat fast food.

۳ - مصدر با to برای نشان دادن قصد و هدف از انجام کار یا عملی:

45- He went there to see his friend.

46- To learn English, you should practice a lot.

نکته اضافی ۱: در این ساختار، (در سبک رسمی) می توان به جای مصدر با to از in order to، so as to استفاده کرد.

47- He is going to the bookshop in order to buy some books.

48- She went to Canada so as to continue her studies.

نکته اضافی ۲ (زبان تخصصی): شکل منفی ساختارهای بالا، بصورت in order not to، so as not to می باشد.
- حالت منفی آنها به شکل not to نادرست می باشد.

49- I left early so as not to miss the train.

50- I am going to leave now in order not to be late.

*51- I left early not to miss the train. (جمله ی نادرست)

نکته اضافی ۳: بعد از for، اسم مصدر (ing + فعل) نباید برای بیان هدف / منظور (مقصود) استفاده شود.

52- a) He went to the bookstore for buying some books. (جمله ی نادرست)

b) He went to the bookstore to buy some books. (جمله ی درست)

۳ - مصدر با to بعد از برخی از صفات:

۱- بعد از صفاتی که نشانگر اهمیت، تکرار عمل، احساسات شخصی، سختی و آسانی کار و غیره ... باشند، فعل بصورت مصدر با to بکار می رود.

لیست صفاتی که در محدوده کتاب درسی و کنکور می باشند و بعد از آنها، مصدر با to بکار می رود.

happy (خوشحال)	sad (ناراحت / غمگین)	careful (مواظب و مراقب)	certain (مطمئن)
glad (شاد / خوشحال)	shocked (شوکه / بهت زده)	sorry (متأسف)	amazed (شگفت زده)
ashamed (خوار / خجسته)	fortunate (خوش شانس)	lucky (خوش شانس)	surprised (متعجب)
dangerous (خطرناک)	easy (آسان)	(کتاب دانش آموز و کتاب کار)	
hard=difficult (سخت و مشکل)	possible (ممکن)	impossible (غیرممکن)	important (مهم)
necessary (ضروری)	(خارج از کتاب درسی اما مهم)		

53- We are happy to be here.

54- Ali was really sad to leave us.

55- The heavy rain made it hard for us to drive easily.

56- Overactive children find it difficult to concentrate.

57- I was careful not to burn myself.

58- Prices are almost certain to increase.

59- Members will be glad to hear him speak again.

- 60-I was shocked to hear that he had an accident.
 61- We were sorry to miss your concert.
 62-Visitors were amazed to discover how little the town has changed.
 63- Their behavior made me ashamed to be British.
 64- I have been fortunate to find a job that I love.
 65- The children were lucky to survive the fire which destroyed their home.
 66- I'm sure that she will be surprised to see me.
 67-It is dangerous to drive on this road.
 68-It is not easy to find a job here.
 69- It was difficult to run fast.
 70- It wasn't possible to read the sentences correctly.
 71- It is impossible to read a book in the dark.
 72- Was it important to be on time?
 73- Is it necessary to speak English fluently?

مصدر با *to* + (مفعول + *for*) + صفت + *to be* + *It*

- 74- *It is necessary for him to arrive on time.*
 75- *It wasn't difficult for us to climb the mountain.*
 76- *He said that it was important for him to speak English correctly.*
 77- *Was it possible for you to read in the dark room?*

نکته اضافی (زبان تخصصی): با برخی از صفات، که تعداد آنها انگشت شمار هستند به جای **for** از **of** استفاده می شود.

مصدر با *to* + (مفعول + *of*) + صفت + *to be* + *It*

- 78- It is kind of you to say that.
 79- It is really kind of them to let us use their pool.
 80- It was nice of you to help.

۴- مصدر با *to* با ساختارهای **too** و **enough** (زبان تخصصی) :

- 81- The soup is too hot for me to eat.
 82-They work too slowly to finish the job on time.
 83-There is too little time to finish the job today.
 84-I had too many books to carry.
 85- There too much sugar to put in this bowl.
 86-The problem was easy enough for me to solve.
 87- Reza isn't tall enough to reach the top shelf.
 88- Our English teacher speaks slowly enough for us to understand.
 89-There are enough books for me to study.
 90- I didn't have enough time to finish the exam.

۴- مصدر یا to ، بعد از برخی از اسم ها و گروه های اسمی و ضمائر مبهم به عنوان post-modifier :

- 91- She didn't have permission to go.
92- Our decision to close the factory was a difficult one to do.
93- I had no one to talk to.
94- When I am travelling, I always take something to eat.
95- Jim is the best person to hire.
96- That is a dangerous way to behave.
97- I have some e-mails to do.

۶ - مصدر یا to بعد از کلمات پرسشی :

- 98- I don't know what to do.
99- Do you know how to solve this math problem?
100- Tell me when to press the button.
101- Could you tell me where to find a good hotel?